

شناسایی عوامل ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی، مطالعه نظریه داده بنیاد

علی درخش^۱

خالد اصلانی^۲

امین کرایبی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۱۲

ازدواج سالم و موفق، نقشی بنیادین در تشکیل خانواده سالم ایفا می کند. هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل ازدواج موفق است. این پژوهش با شیوه کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوج های ساکن شهر یاسوج بود که دارای حداقل ۵ سال سابقه زندگی مشترک بودند. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، آزمودنی ها انتخاب شدند و تا رسیدن به اشباع نظری، در نهایت ۲۶ نفر (۱۳ زوج) دارای ازدواج موفق مورد مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته قرار گرفتند و پاسخ ها با استفاده از روش مقایسه ای مداوم استراوس و کوربین تحلیل شد.

یافته های پژوهش نشان داد که عوامل ازدواج موفق طیف گسترده ای را در برمی گیرد. عوامل شناسایی شده عبارت بودند از: عوامل فردی، عوامل مربوط به رابطه زوجی، عوامل مربوط به خانواده اصلی زوجین، عوامل فرهنگی- اجتماعی و عوامل والدینی. هریک از عوامل به دست آمده، مقوله های مختلفی را در بر می گیرد. درک و شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج های موفق در زوج های موفق می تواند به عنوان الگو و مسیری برای زوج ها قلمداد شود و برای روانشناسان و مشاوران ازدواج مثر ثمر واقع گردد و سرانجام به سلامت جامعه کمک کند.

واژگان کلیدی: ازدواج موفق، عوامل فردی، عوامل زوجی، عوامل خانواده اصلی، عوامل فرهنگی- اجتماعی و عوامل والدینی

^۱ دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

^۲ دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

ازدواج^۱ یک نهاد اجتماعی است که در آن، یک مرد و زن از طریق تعهدی قانونی، مذهبی و اخلاقی تصمیم می‌گیرند به عنوان زن و شوهر باهم زندگی کنند. ازدواج، نقش مهمی در عملکرد جامعه از طریق فراهم آوردن بستری برای ارضای نیازهای عاطفی، اقتصادی و روانی اعضای آن دارد (دیکسون^۲، ۲۰۱۳: ۷۶).

مرحله تشکیل خانواده و ازدواج، اولین و مهمترین مرحله در سیکل زندگی خانوادگی می‌باشد که در آن انتخاب همسر صورت می‌گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد (کارو، فریدمن، کورتمن، اسکوارز^۳، ۲۰۰۳: ۷۶).

ازدواج، مهم‌ترین پیوندی است که بین دو فرد رخ می‌دهد. این پیوند، سرآغاز شکل‌گیری یک کانون حمایتی و عاطفی در زندگی انسان‌ها می‌باشد که با تربیت نسل‌های بعدی و بقای زندگی بشر در ارتباط است (مایرز و تینگل^۴، ۲۰۰۵: ۱۸۳). ازدواج، یک نهاد چالش‌برانگیز است. علیرغم اینکه اکثر ازدواج‌ها شروع خوبی دارند، اما در نهایت زوج‌ها از رابطه خود راضی نیستند. به نظر می‌رسد که شادی، ثبات و رضایت از ازدواج بستگی به خود زوجین دارد (ماناپ، چی کاسیم، هسنی، ایدریس و غزالی^۵، ۲۰۱۳: ۱۱۲).

در کشور ما ازدواج به عنوان بنیان خانواده، عبارت است از یک رابطه قانونی، عرفی و یا دینی که یک مرد را با یک زن به طور دائم یا موقت پیوند می‌دهد. این پیوند هرچقدر استحکام بیشتری داشته باشد، سلامت جامعه را بیشتر تامین می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۶). هیچ فردی در این دنیا وجود ندارد مگر اینکه او را متعلق به یک خانواده بدانیم. از آنجا که ازدواج را مبنای تشکیل خانواده می‌دانیم، پس هر فردی نتیجه یک ازدواج است که می‌توان آنرا موفق یا ناموفق نامید (سگرین و فلوریا^۶، ۲۰۰۵: ۱۲۳). کیفیت رابطه زوج‌ها، زیربنایی را شکل می‌دهد که کارکرد آتی کل خانواده و سلامت جسمانی و روانی اعضا بر مبنای آن بنا می‌شود. بنابراین این مهمترین ملاک تعیین‌کننده خانواده سالم، رضایت زوج از ازدواج است (گریف و ملهرب^۷، ۲۰۰۱: ۲۴۸). روابط زن و شوهری پایدار و رضایت‌بخش، ویژگی‌های مثبت بسیاری نظیر سلامت روانی، سلامت جسمانی و رشد را برای اعضای خانواده فراهم می‌آورد. این روابط زن و شوهری محیطی مساعد را

^۱ -marrige

^۲ - Dixon

^۳ - carr, Freedman, Cortman& Schwarz

^۴ - Myers & Tingle

^۵ Manap, Che Kassim, Hoesni, Nen, Idris,& Ghazali

^۶ -Segrin, C. & Flora

^۷ -Greeff, & Malherbe

برای کودکان مهیا می کند و رشد و سلامت اعضای خانواده را ارتقا می بخشد. (میخالیت سیانوف^۱، ۲۰۱۴، به نقل از حاتمی و رزنه و همکاران، ۱۳۹۵).

مفهوم ازدواج موفق^۲ معمولاً با سازگاری و رضایت زناشویی به کار می رود. ازدواجی را می توان موفق نامید که در آن رضایت زناشویی زوجین بالا و از سازگاری و تفاهم برخوردار باشند (برادباری و ات ال^۳، ۲۰۰۰). رضایتمندی زن و شوهری، مفهومی است که اغلب برای اشاره به کیفیت، شادکامی و یا این واقعیت به کار می رود که نیازهای اساسی بین زوجین در ازدواجشان برآورده می شود. اگرچه مطالعات بسیاری در مورد ازدواج انجام شده، اما کمتر پژوهشی بر ازدواج های موفق و پایدار تمرکز کرده است و بیشتر پژوهشگران بر عوامل ازهم پاشیدن ازدواج ها متمرکز شده اند (نیمتز، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش ها و مطالعات نشان می دهد که افراد با رضامندی زناشویی بالا و روابط صمیمانه در سنجش با کسانی که زندگی زناشویی ناسازگارانه ای دارند، بیشتر عمر می کنند (کپلر^۴، ۲۰۱۵، به نقل از کرایبی، ۱۳۹۵: ۱۳۰)، از سلامت بدنی بالاتری برخوردارند (اسلاچر و شوبی^۵، ۲۰۱۷، به نقل از کرایبی، ۱۳۹۵: ۱۳۰) و برای فرزندانشان پدر و مادر بهتری هستند (گریچ و فینچام^۶، ۱۹۹۰، به نقل از کرایبی، ۱۳۹۵: ۱۳۱). گاتمن و لونسون^۷ (۲۰۰۲) که ۲۰ سال زندگی زوج ها را مورد بررسی قرار داده بودند، عامل اصلی موفقیت یا شکست ازدواج را توانایی یا عدم توانایی حل تعارضات می دانند. مطالعات متعدد، ویژگی های متفاوتی را به عنوان مولفه های مرتبط با رضایتمندی زناشویی مطرح کرده اند. مطالعه کیفی اینگرام^۸ (۲۰۱۰) بر روی زوج های موفق آمریکایی که حداقل ۱۵ سال از ازدواج آنها می گذشت، نشان داد این زوج ها در فرایند زندگی انعطاف پذیرند، به هویت فردی و زوجی خود اهمیت می دهند، به تفاوت و شباهت های یکدیگر توجه دارند، روابط جنسی رضایت بخشی دارند، به مدیریت مسائل مالی و حل تعارض اهمیت می دهند و ارزش های همخوانی دارند. همچنین، لهرر^۹ (۲۰۰۶) معتقد است که پایداری به ارزش های مذهبی، رعایت اصول اخلاقی و کسب فضیلت های انسانی می تواند رضایت زناشویی را افزایش و احتمال طلاق را به طور چشم گیر کاهش دهد.

^۱ -Michalit sianos

^۲ - successful Marriage

^۳ - Bradbary & et al

^۴ -Kepler

^۵ -Slatcher & Shoebi

^۶ -Grych & Fincham

^۷ - Gottman& Levenson

^۸ -Ingram

^۹ - Lehrer

در پژوهش باچاند و کارون^۱ (۲۳:۲۰۰۱) در مورد ۱۵ زوج با ازدواج پایدار، عوامل زیر به عنوان کمک کننده به دیرپایی و رضایتمندی در ازدواج شناسایی شده اند: دوستی و عشق، احترام و احساس قدردانی، اعتماد و وفاداری، ارتباط خوب، ارتباط جنسی خوب، ارزش های مشترک، همکاری و حمایت متقابل، لذت بردن از زمان مشترک، توانایی انعطاف پذیری هنگام رویارویی با تغییر و حساسیت از معنویت. باور به نهاد ازدواج و فرض بقا، ازدواج های پایدار را توصیف می کند. بروکز^۲ (۲۰۰۶) در پژوهش خود به بررسی عوامل کمک کننده به رضایت و تاب آوری در ازدواج های پایدار آفریقایی - آمریکایی پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل زیر در ازدواج های موفق نقش داشتند: تعهد، اعتماد، تشابه مذهب، ارتباطات، گذراندن زمان با یکدیگر، عشق و تعلق خاطر، درک همدیگر، لذت جنسی. فنل^۳ (۴۴۶:۱۹۹۳) نیز نشان داد ده مؤلفه تأثیرگذار بر پایداری ازدواج های موفق عبارت اند از: تعهد به روابط زناشویی در طول زندگی، وفادار ماندن به همسر، ارزش های اخلاقی محکم، احترام به همسر، وفاداری و تعهد جنسی، والد خوب بودن، داشتن ارزش های مذهبی، حمایت و لذت دوطرفه، هماهنگی و همدمی با همسر، توانایی عفو و گذشت و مورد گذشت واقع شدن. کرای و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی کمی عواملی نظیر شیوه ارتباط، حل تعارض مناسب، حمایت، توجه، احترام، قدردانی از یکدیگر، ویژگی های شخصیتی، مسئولیت پذیری، صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی، کیفیت زندگی مشترک، گذراندن وقت و تفریحات، همخوانی زوجین، انعطاف پذیر بودن، تعهد و وفاداری، داشتن ارزش ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک و مسائل مالی و شغلی را در ازدواج های پایدار رضایتمند مؤثر دانسته اند.

به نظر می رسد علیرغم اهمیت روزافزون پدیده ازدواج و نقش آن در سلامت و پویایی نسل آینده و همچنین گستردگی و تنوع در معیارهای انتخاب همسر، همچنان کمبودهای پژوهشی زیادی در این حوزه وجود دارد و انجام تحقیقات نظام مند و قابل اطمینان، بیش از پیش لازم است. بیشتر پژوهش های انجام شده در حوزه خانواده و ازدواج، به بررسی دلایل شکست، ناکامی و زمینه های شکل گیری نارضایتی و طلاق محدود شده اند (محسن زاده، ۲۰۱۰: ۲۰۴۲) و تعیین معیارها و شاخصه های موفقیت در ازدواج کمتر مورد توجه بوده است. از طرفی، پژوهش های صورت گرفته در حوزه ازدواج سالم، اغلب در ساختار فرهنگی و اجتماعی متفاوت از فرهنگ ایران صورت گرفته است (اولسون، ۲۰۰۰ به نقل از صاحب دل، ۱۳۹۴: ۳۴). پژوهش های داخل نیز اغلب به بررسی مسائلی از قبیل سازگاری زناشویی و رضایت

^۱ -Bachand & Caron

^۲ -Brooks

^۳ -Fenell

زناشویی پرداخته اند، درحالی که ازدواج موفق، مفهومی فراتر از سازگاری و رضایت زناشویی است. همچنین، این پژوهش ها از نظر روش شناسی، به بررسی های تک متغیره و کاربرد روش های کمی محدود شده اند (عبداله زاده، ۲۰۰۲). پژوهش های صورت گرفته با روش های کیفی نیز بیشتر به بررسی شرایط پیش بینی کننده ازدواج موفق پرداخته (کریمی ثانی، ۲۰۱۰: ۱۲۴) و یا از توان تبیین کنندگی و تعمیم ضعیفی برخوردار بوده اند (آسوده و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۰۴۲).

از آنجا که تعمیم نتایج یک پژوهش از یک بافت فرهنگی به بافت فرهنگی دیگر مشکل است و عوامل ازدواج موفق و خوشبخت نیز در فرهنگ های مختلف متفاوت است (فاطمیما واجمل، ۲۰۱۲: ۳۷) و نیز با توجه به بافت نگری تحقیقات کیفی (کرسول^۱، ۲۰۱۳، به نقل از خجسته مهر و محمدی، ۱۳۹۵) توجه پژوهشگران به ملاحظات فرهنگی در ساختار ازدواج ضرورت دارد. لذا آنچه در پژوهش حاضر اهمیت دارد پاسخ دادن به این سوال می باشد: عوامل موثر در ازدواج های موفق کدام اند؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و به منظور جمع آوری داده ها، از نظریه داده بنیاد استفاده شده است. در این پژوهش، محقق علاقه مند به تولید نظریه، مدل و یا چارچوب مفهومی است، به خصوص زمانی که در زمینه پدیده مورد مطالعه اطلاع کافی وجود ندارد (استراس و کوربین، ۱۹۹۰). علت انتخاب این روش این است که در باره هدف پژوهش حاضر، داده های اندکی در دسترس است و با توجه به نبود ابزار در این زمینه، پژوهشگر به یک رویکرد جامع جهت جمع آوری اطلاعاتی که شناخته شده نیست نیازمند است. روش داده بنیاد، روشی ایده آل برای پژوهش در حوزه هایی است که دانش اندکی درباره آنها در دسترس است (محسن زاده، ۲۰۱۰).

به طور کلی مراحل انجام نظریه داده بنیاد عبارت اند از: تدوین پرسشنامه های پژوهش، گرد آوری داده ها و کد گذاری داده ها در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. جامعه آماری پژوهش عبارت بود از کلیه زوج های شهر یاسوج که رضایت بالایی از ازدواج خود داشتند و معیارهای ورود به پژوهش را دارا بودند. معیارهای پژوهش حاضر عبارت بودند از: حداقل پنج و حداکثر بیست سال از مدت زمان ازدواج شان سپری شده باشد، رضایت بالایی از زندگی شان داشته و داوطلب شرکت در تحقیق باشند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شد. ابزار جمع آوری داده ها در این

^۱ - Creswell

پژوهش، مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. به منظور رعایت اصول اخلاقی، از زوج ها برای شرکت در مطالعه وضبط صدا رضایت گرفته شد و راجع به اهداف پژوهش حاضر، علت ضبط جلسه مصاحبه، محرمانه ماندن اطلاعات مطرح شده در جلسات و هویت آنها توضیحات لازم ارائه شد. بدین ترتیب مصاحبه شونده از آزادی نسبی برای بازگویی آنچه در زندگی او و همسرش وجود داشت، برخوردار بود. پژوهشگر سعی می کرد موارد مهم را با دقت بیشتری دنبال نماید. پس از انجام هر مصاحبه، فایل ضبط شده آن مصاحبه روی کاغذ پیاده می شد و با استفاده از فنون ذکر شده توسط استراس و کوربین، تحلیل سطر به سطر انجام و کدهای به دست آمده ثبت می شد. پس از تحلیل مجدد و دسته بندی کدهای به دست آمده، مقوله های کلی در ذهن پژوهشگر شکل گرفت و در ادامه مصاحبه ها، هدف پژوهشگر کامل کردن و اشباع آن مقوله ها بود. در واقع، با تحلیل مصاحبه اول، پژوهشگر با سوالات تازه ای که در ذهن داشت به سراغ زوج های بعدی می رفت و مصاحبه را با آن سوالات شروع می کرد. سپس به زوج اجازه داده می شد تا عمیقاً در مورد سؤالات فکر کنند و پاسخ های مناسبی ارائه دهند. همچنین مصاحبه شوندهگان علاوه بر پاسخ گویی به سوالات، اطلاعات جدیدی نیز ارائه می دادند و پژوهشگر را وادار به واری بیشتر می کردند. مصاحبه ها تا جایی که در جریان مصاحبه هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیامد، ادامه پیدا کرد که در نهایت ۲۶ نفر (۱۳زوج) که دارای ازدواج موفق بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. جهت تعیین قابلیت اطمینان و کفایت داده ها از سه روش استفاده شد:

۱. کنترل و اعتبار یابی توسط گروه نمونه: در این روش مصاحبه های ضبط و ثبت شده برای اطمینان بیشتر به مصاحبه شونده ها بازگشت داده می شد تا از صحت اطلاعات ارائه شده، پژوهشگر را مطلع سازند.
۲. استفاده از نظارت همکاران متخصص: در این روش، دو نفر از متخصصان به عنوان داور، بخشی از مصاحبه ها را مورد تحلیل قرار دادند و تحلیل های آنها با تحلیل های پژوهشگر، مقایسه شد و در نهایت توافق کلی حاصل گردید.
۳. مقایسه های تحلیلی: در این روش به داده های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه با داده های خام مقایسه و ارزیابی شود.

یافته های پژوهش

در مجموع ۲۶ نفر در قالب ۱۳ زوج مورد مصاحبه اکتشافی نیمه ساختارمند قرار گرفتند که ویژگی فردی مصاحبه شوندگان در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان در تحقیق

نام مستعار	سن	مدت ازدواج	تعداد فرزند	تحصیلات	شغل
آقای شماره ۱	۴۲	۲۰	۴	زیر دیپلم	کارمند
خانم شماره ۱	۴۰			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۲	۴۲	۱۲	۳	فوق لیسانس	کارمند
خانم شماره ۲	۳۸			فوق لیسانس	کارمند
آقای شماره ۳	۴۲	۱۷	۳	دیپلم	کارمند
خانم شماره ۳	۴۰			دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۴	۴۱	۱۷	۲	دکتری	مدرس دانشگاه
خانم شماره ۴	۳۹			دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۵	۴۱	۱۷	۳	لیسانس	پاسدار
خانم شماره ۵	۳۸			دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۶	۳۱	۸	۱	دیپلم	راننده
خانم شماره ۶	۲۶			لیسانس	خانه دار
آقای شماره ۷	۴۰	۷	۱	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۷	۲۷			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۸	۴۰	۱۵	۲	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۸	۳۸			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۹	۳۶	۱۳	۲	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۹	۳۵			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۱۰	۳۴	۵	۱	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۱۰	۳۳			لیسانس	خانه دار
آقای شماره ۱۱	۴۴	۱۸	۴	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۱۱	۳۸			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۱۲	۳۲	۶	۲	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۱۲	۲۸			لیسانس	خانه دار
آقای شماره ۱۳	۴۱	۱۷	۲	دکتری	کارمند
خانم شماره ۱۳	۴۰			فوق لیسانس	کارمند

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود، از میان ۳۱ زوج شرکت کننده، ۵ نفر دارای تحصیلات در مقطع زیر دیپلم، ۶ نفر دارای تحصیلات دیپلم، ۱۰ نفر دارای تحصیلات لیسانس، ۳ نفر دارای تحصیلات فوق لیسانس، ۲ نفر دارای تحصیلات در مقطع دکتری بودند. در زمینه شغل، ۱۱ نفر از خانم ها خانه دار و ۲ نفر کارمند بودند. ۱۰ نفر از مردان نیز دارای شغل کارمندی، ۱ نفر راننده و ۲ نفر مدرس دانشگاه بودند. دو زوج دارای ۴ فرزند، سه زوج دارای یک فرزند، پنج زوج دارای دو فرزند و سه زوج دارای سه فرزند، بودند. همان طور که جدول نشان می دهد طول مدت ازدواج زوجین از ۵ سال تا ۲۰ سال در نوسان بود- میانگین مدت ازدواج زوجین ۱۳ سال می باشد. میانگین سنی افراد شرکت کننده در مصاحبه نیز ۳۶ سال بود. انتخاب نمونه، جمع آوری اطلاعات و تحلیل اطلاعات تا زمان اشباع نظری یعنی تا جایی که اطلاعات جدیدی به دست نیامد، ادامه پیدا کرد و در نهایت ۲۶ نفر (۳۱ زوج) مورد مصاحبه قرار گرفتند.

همان گونه که در روش شناسی تحقیق بیان شد، در رویکر نظریه داده بنیاد استراوس و کوربین به منظورتبیین بهتر یافته های پژوهش، به ارائه شرایط میانجی، راهبردهای حل تعارض میان زوجین و پیامد تحقیق می پردازیم.

شرایط میانجی تاثیر گذار در ازدواج موفق

شرایط میانجی در این تحقیق در ۵ سطح (ویژگی های شخصی زوجین، عوامل تعاملی زوجین، عوامل مربوط به خانواده اصلی، عوامل فرهنگی- اجتماعی و عوامل والدینی) طبقه بندی شده اند:

۱. ویژگی های شخصی زوجین

زوجین شرکت کننده در این تحقیق برخی ویژگی های شخصی خود را که در نگهداری و حفظ رابطه شان مؤثر می دانستند، بیان نمودند: خودآگاهی (آگاهی از نیازهای شخصی، آگاهی از اهداف زندگی، آگاهی از توانمندی ها و محدودیت های خود)، دلسوز بودن و مهربانی (مهربان بودن با همدیگر، چشم پوشی از خطا های همدیگر، از خود گذشتگی)، مسئولیت پذیری (انجام درست وظایف خود و خانواده، احساس مسئولیت در برابر همسر، احساس مسئولیت در برابر خانواده، به وظایف خود عمل کردن، آگاهی داشتن از وظایف و مسئولیت های خود در زندگی)، انعطاف پذیری (ایجاد تغییرات رفتاری در خود متناسب با مراحل زندگی، دوری از تعصبات بی مورد، تلاش برای رشد و تغییر، آمادگی برای تغییر در مواقع ضروری)، صداقت (دروغ نگفتن به یکدیگر، روراست بودن در امور مختلف زندگی و مشکلات روزمره، صداقت در مسائل مالی)، خوش بینی (داشتن نگرش مثبت نسبت به زندگی، داشتن انگیزه و امید نسبت به زندگی، امیدواری، اعتقاد به اینکه مشکلات حل می شوند) و پختگی هیجانی (آگاهی از عواطف و توانایی کنترل احساسات، ثبات هیجانی، توانایی ابراز عواطف، تسلط کافی بر هیجانات).

در این زمینه، خانم شماره ۱۳ می گوید:

«من آدم مسئولیت پذیری هستم. چون من شاغل هستم، هم در قبال شغلم و هم در قبال همسرم وهم در قبال فرزندانم مسئولیت دارم. خدا را شکر الان که ۱۷ سال از ازدواج مان می گذرد تونستم مسئولیت های خود را به نحو احسن ایفا کنم وشوهرم که استاد دانشگاه هم هست بیشتر مواقع بهم کمک می کنه.»

آقای شماره ۱۳:

«ما توی زندگی سختی های زیادی کشیدیم، اما تحمل کردیم.»

خانم شماره ۲:

«شوهرم بیشتر مواقع در کارهام بهم کمک می کنه. هم در زمینه شغلی ام وهم در امورات خانه داری. آخه ما سه تا دختر داریم که پشت سرهم هستند و رسیدن به اونها سخته. در ازدواج های موفق، زوج ها مسئولیت رفتار خود را می پذیرند و انتظار ندارند که شریک زندگیشان مسئول شادی و خرسند نگه داشتن آن ها باشد.»

۲. سیستم زوجی کارآمد

رابطه زوجی، قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد می شوند و نهاد خانواده را پایه گذاری می کنند. آنچه که از خود این پایه گذاری مهمتر است، چگونه عمل کردن و شکل دهی یک ازدواج موفق است؛ وضعیتی که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس رضایت از باهم بودن دارند. در رابطه زوجی، هریک از دو عضو زوج می توانند عمیق ترین احساس صمیمیت را تجربه کنند. این رابطه در عین حال که می تواند صمیمانه ترین و راحت ترین رابطه ممکن باشد، می تواند شدیدترین صدمات ممکن را به اعضا وارد کند. در صورتی که ازدواج ناموفق باشد می تواند به توقف رشد شخصی وسرگردانی منجر گردد. در این تحقیق، سیستم زوجی کارآمد بوده است و در ازدواج موفق تأثیر داشته است و شامل موارد زیر می باشد:

۱- عشق وتعلق خاطر(دوست داشتن همسر، ابراز عشق کلامی و غیرکلامی، علایق مشترک، گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر، استفاده از جملات عاشقانه، اختصاص دادن زمان بیشتر برای باهم بودن، دوستی باهم، صمیمیت)؛

۲- اطمینان بخشی(وفادار بودن نسبت به همدیگر، اعتماد به یکدیگر، شک نداشتن به همدیگر، بیزاری ودوری از افکار خیانت آمیز، تعهد واحترام به رابطه زناشویی).

آقای شماره ۶:

«من شغلم رانندگی است. ماشین سنگین دارم. تا حالا نشده که به همسرم خیانت بکنم، حتی فکر داشتن چنین رابطه ای را هم نمی کنم.»

خانم شماره ۵:

«تا حالا نشده که به همسرم شک داشته باشم که بهم خیانت کنه. شغلش پاسدار است. گاهی مواقع تا یک ماه هم میره ماموریت و خونه نیست. مطمئنم که بهم خیانت نمی کنه»

۳ - درک متقابل (احساس درک شدن، تلاش برای درک همسر، تفاهم در تربیت فرزندان، گذراندن اوقات فراغت با مشورت یکدیگر، تفاهم در مورد محل زندگی، تصمیم گیری مشترک، اتفاق نظر در مورد مسائل مالی).

اکثر زوج ها بیان کردند که در مقابل خوبی یکدیگر سعی بر خوبی و جبران محبت دارند.

آقای شماره ۴:

«همسرم به خانواده ام خیلی محبت کرده و در بین خانواده من احترام خاصی دارد. من هم به خاطر محبت- هایش سعی می کنم همیشه بهش احترام بگذارم و رضایت ایشان را جلب کنم. به خانواده اش احترام می گذارم. معمولاً پایان هفته به پدر و مادرش سر می زنیم و الان هم مثل همان سال اول زندگیمان از هم راضی هستیم.»

اکثر مصاحبه شوندگان بیان نمودند که همان طوری که انتخابشان انتخابی درست بوده و سال های اول ازدواج شان از همدیگر راضی بودند، الان هم که مدت زیادی از ازدواج شان گذشته، رضایت زناشویی خوبی دارند.

خانم شماره ۸:

«خدارا شکر توی این ۱۵ سال زندگی مشترک، همیشه باهم خوب بودیم. الان دوتا بچه داریم. از زندگی مون راضی هستیم.»

۴- رضایت جنسی (روابط جنسی رضایت بخش، تلاش برای جلب رضایت جنسی همسر، احترام به خواسته های جنسی همدیگر، اهمیت دادن به مسائل جنسی، صحبت کردن در مورد این رابطه، اشتراک نظر در زمینه روابط جنسی).

رضایت داشتن طرفین از رابطه جنسی، شاخصی مناسب برای ثبات ازدواج و خرسندی از آن محسوب می شود. رضایت جنسی، افزایش کیفیت زندگی و در نتیجه، افزایش ثبات زندگی را به دنبال دارد.

۵ - مشارکت و همکاری (کمک کردن به همدیگر در کارهای منزل، کمک به همسر در زمینه شغلی، کمک به همسر در انجام وظایف زندگی، کمک به همسر در مسائل اقتصادی)؛

۶- ارتباط مؤثر (گفتگوی لذت بخش، همدلی، توجه به حرف های طرف مقابل، پرهیز از کنترل کردن همدیگر، تحقیر و سرزنش نکردن همدیگر، توی حرف همدیگر نپزیدن، گفتگوی منطقی، گفتگوی باز، توان ابراز عواطف و خواسته ها، رک بودن در ابراز خواسته ها، مقایسه نکردن، احترام در حضور جمع)؛
خانم شماره ۱۱:

«به حرف های هم دیگر گوش می دهیم. می توانم بگویم گفت و گو هایمان خیلی لذت بخش است. موقع صحبت کردن با هم دیگر کاملاً حواسمان به همدیگر است. تماس چشمی برقرار می کنیم. خلاصه راحت می توانیم با هم حرف بزنیم.»

۷- تصمیم گیری درست (مشورت گرفتن از هم دیگر، توجه به توصیه های یکدیگر)؛
خانم شماره ۶:

« شوهرم بدون اجازه و مشورت من کاری را انجام نمی دهد. من هم همیشه قبل از اینکه کاری رو انجام دهم، نظر شوهرم را می پرسم. اگر ایشان موافق بود آن کار را انجام می دهم.»

۸- ایفای نقش کارآمد (انعطاف پذیری در انجام کارها، مشارکت در نقش، وظیفه محور نبودن نقش ها)؛
خانم شماره ۵:

«کارها را با هم انجام می دهیم. هرکس هر کاری که از دستش بر بیاید انجام می دهد؛ مثلاً من رانندگی بلد هستم و بچه ها را خودم می برم مدرسه - سرویس آنها می باشم. کارهای خانه را انجام می دهم. چون همسرم اکثر اوقات سر کار هست و مشغله کاری زیادی دارد کارهای ایشان را من انجام می دهم. قسط وام را خودم پرداخت می کنم. خرید خانه و وسایل مورد نیاز بچه ها را خودم انجام می دهم. وقتی ایشان خانه است، در کارهای خانه هم به من کمک می کند.»

۹- مدیریت مالی (خسیس نبودن، توافق در مورد خرج کردن، توقعات مالی متناسب با توانایی همسر، قناعت مالی، وحدت مالی، داشتن برنامه مالی مناسب)؛
آقای شماره ۳:

«من راننده هستم. حقوق و مزایای من کم است، اما خدا را شکر همسرم کم توقع است. نسبت به خواهرای دیگرش خیلی کم خرج است. با نداری من خوب ساخته و خوب برنامه ریزی کرده است.»

۱۰- رشد خود و همسر (تشویق همسر به برنامه ریزی، تشویق همسر به رشد و پیشرفت، استقبال از رشد و موفقیت همسر، تلاش برای موفقیت و رشد خود در زمینه تحصیلات و شغل، تقویت نقاط قوت همدیگر، قدردانی و سپاس گزاری).

آقای شماره ۲:

«اون موقع که ما ازدواج کردیم، من فوق دیپلم بودم و همسر من دیپلم داشت. دوست داشتم که خودم تحصیلاتم را ادامه دهم، الان فوق لیسانس دارم و خانمم هم در حال حاضر فوق لیسانس دارد. بهش کمک کردم؛ از بچه ها مراقبت کردم و سختی های زیادی کشیدم تا خانمم ادامه تحصیل بدهد.»

۳. عوامل مربوط به خانواده اصلی

سیستم زوجی مرزهای خودش را دارد: زوج هایی که حول رابطه خود مرز ایجاد نمی کنند، درون خانواده اصلی و یا روابط دوستی گیر می افتند. این مسئله گاهی در رابطه آن ها با همسرشان مشکل ایجاد می کند. خانواده زمانی سالم تلقی می شود که همه اعضای آن فرصتی برای پرداختن به مسائل خاص خود در اختیار داشته باشند. گاهی اوقات خانواده ها این موضوع را نادیده می گیرند و فراموش می کنند که زوج ها نیاز دارند فرصتی داشته باشند تا مدیریت خود را بیابند. به همین دلیل به میزان زیادی مرزهای آنان را نادیده می گیرند. نادیده گرفتن مرزها اینگونه اتفاق می افتد که خانواده تلاش می کند به گونه ای در فرزند خود نفوذ کند تا به جای عمل کردن طبق خواسته های همسر، طبق خواسته های خانواده عمل کند. در این تحقیق، زوجین موفق با اجازه ندادن به دیگران در دخالت کردن در زندگی آن ها و عدم انتقال مسائل و مشکلات درون خانواده خود به خانواده های اصلی و عدم انتقال مسائل به فرزندان و حساب ویژه ای از قدرت مرد در تصمیم گیری های درون خانواده، خود را در این زمینه موفق می دانستند.

۱- حریم سازی و مرز سازی زوجی

خانم شماره ۳:

«ما اصلاً مسائل شخصی و خانوادگی خود را با پدر و مادرمان در میان نمی گذاریم، چون ما می توانیم آن ها را حل کنیم. اگر این مسائل را با پدر و مادرمان در میان بگذاریم، روی آن ها تاثیر منفی می گذارد.»

۲- حمایت خانواده ها از زوجین

خانم شماره ۶:

«خانواده شوهرم و همچنین خواهر شوهرم در نگهداری و مراقبت از پسر من خیلی به من کمک می کنند. سال های اول ازدواج مان از لحاظ مالی در مظنقه بودیم، اما خانواده هامون ما را حمایت می کردند. مجبور

شدم به کار نیمه وقت داشته باشم. وقتی سرکار می‌رفتم، پسر من پیش خانواده شوهرم بود. پدرم هم مقداری از حقوق خود را ماهانه به ما کمک می‌کرد. استفاده از حمایت خانواده ها زوجین را در ارتباط با فشارهای مالی، عاطفی و امور مربوط به فرزند کمک می‌کند.»

۳- حمایت زوجین از خانواده ها:

خانم شماره ۵:

«پدرم بازنشسته است. توانایی تأمین امرار معاش خود و خانواده اش را ندارد. من و همسر من ماهانه در حد توانمان مقداری حمایت مالی به آن‌ها می‌کنیم. البته همسر من خودش خواهان این است که ما به آن‌ها کمک نکنیم و این در رضایت مندی از زندگی ما مؤثر می‌باشد.»

۴. عوامل اجتماعی و فرهنگی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در ازدواج موفق که از مصاحبه با زوجین موفق در این پژوهش به دست آمد، نقش عوامل فرهنگی- اجتماعی بود. ارزش‌ها، باورها، رسوم و هنجارهای حاکم بر یک بافت علاوه بر دیدگاه‌های فردی بر سبک روابط زوجی نیز اثرگذار است. در این مطالعه، فضائل اخلاقی و معنوی شامل همسانی باورهای دینی، پایبندی به اخلاقیات، پرهیز از حسادت به دیگران، پرهیز از کینه و انتقام جویی، توکل به خدا، نوع دوستی، عدم مدگرایی، همسانی فرهنگی، کمک به دیگران، نقش مثبت خدا در زندگی، رعایت فرهنگ عفاف و حجاب، مقدس دانستن ازدواج، پیروی از احکام دینی از دلایل فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر ازدواج موفق است.

خانم شماره ۸:

«احترام خاصی برای بزرگترها قائل هستم. پدر و مادر شوهرم را خیلی احترام می‌کنم. لباس آنان را می‌شویم و روی حرف آنان حرف نمی‌زنم. شوهرم نیز برای پدر و مادر من خیلی ارزش قایل است- انگار که پدر و مادر خودش است. در ایام عید ما به بزرگان و اقوام خود سر می‌زنیم و برای نزدیکان خود و همسر معمولاً کادو می‌بریم.»

آقای شماره ۱۳:

«ما هر سال روز ازدواج خود را جشن می‌گیریم و ازدواج خود را محترم می‌شماریم و به بچه‌هایمان سفارش می‌کنیم که به محض اینکه شرایط ازدواج رو پیدا کردند، ازدواج بکنند.»

۵. عوامل والدینی

پنجمین عامل زمینه ای در این تحقیق، شاخص های مربوط به عوامل والدینی بوده است که در ازدواج موفق تأثیر داشته است. زمانی که زوج ها تصمیم می گیرند که بچه دار شوند، باید فضای روانشناختی رابطه را برای پرورش فرزند آماده کنند. این فضا باید به گونه ای در زوج آمادگی ایجاد کند که بتواند ضمن پرورش فرزند از ایجاد لطمه به رابطه خود جلوگیری کنند. در این شرایط، انعطاف پذیری نقش زوج ها ضروری است، زیرا رابطه زوج با به دنیا آمدن فرزند تغییر می کند و شکل جدیدی به خود می گیرد. در این سیستم فرزند عامل مثبتی در بهبود رابطه است که منجر به افزایش مسئولیت، شیرینی زندگی، بهبود رابطه با خانواده همسر، کاهش وابستگی زوجین به خانواده ها، کاهش دعوا و هدف مند شدن زندگی می شود. از طرفی والدین هم در مقابل تربیت فرزندان احساس مسئولیت می کنند.

خانم شماره ۱۲:

«با تولد دخترم، زندگی ما بهتر شد. وقت زیادی را من و همسر با بازی کردن و لذت بردن از زندگی با ایشان سپری می کنیم. رابطه خانواده همسر هم با ما بهتر شده است. روزهای جمعه و تعطیلات، مادرشوهرم زنگ می زند که بچه ها را بردارید بیاید خانه ما. دلم برایشون تنگ شده است.»

خانم شماره ۱۱:

«داشتن بچه، زندگی ما را هدفمند کرده است. من و شوهرم با تولد فرزندانمان تلاش کردیم تا آنها را به خوبی تربیت کنیم تا آنها نیز مثمر ثمر باشن. آنها ثمره زندگی ما هستند.»

راهبردهای مؤثر حل تعارض میان زوجین

زوجین موفق بیان داشتند در مواقعی که دچار تعارض می شدند، از روش هایی مانند گفتگوی باز، مدیریت خشم، حل مسئله، استفاده از منابع حمایتی از قبیل کمک اطرافیان، مطالعه کتب روانشناسی، کمک خواستن از خدا و ائمه، کاهش حساسیت ها، عذر خواهی، چشم پوشی از خطاهای همدیگر، شوخ طبعی و خنده، آسان گیری و کوتاه آمدن، کم کردن توقعات، سعی در اصلاح و تغییر خود، تحمل سختی ها، پاسداری از حریم زوجی، عدم انتقال مسائل به خانواده مبداء و فامیل استفاده کرده اند. به عنوان نمونه به چند مورد از تعارضات زوجین و راهکارهای مواجهه با آنها اشاره می شود:

۱. بی اعتنایی نکردن، قهر نکردن

آقای شماره ۱۰:

« وقتی در رابطه زن و شوهری ما مشکل ایجاد می شود، ما با همدیگر قهر نمی کنیم، منتظر نمی مانم تا او با من صحبت کند، من پیش قدم می شوم و با ایشان صحبت می کنم. در این مواقع همسر احساس می

کند که کمتر مورد بی‌اعتنایی واقع می‌شود. قهر در زندگی ما مفهومی ندارد؛ یعنی در واقع نمی‌توانیم با همدیگر قهر داشته باشیم.»

۲. برنامه ریزی برای مبارزه با مشکلات احتمالی

خانم شماره ۲:

«یک بار ماشین مان دست برادرشوهرم بود. ایشان در حین آمدن به خانه تصادف کرد و خودش هم مقصر بود. شوهرم خیلی ناراحت شد و خواست با ایشان دعوا کند. حتی برسرمن داد کشید که تقصیر شما بود که گفتم ماشین را به محمد بدهم، اما من با شوهرم صحبت کردم که اتفاق پیش می‌آید، خدا رو شکر که خودش آسیب ندید، اگرنگران خسارت ماشین هستی مقداری از طلاهام می‌فروشم، درستش کنید.»

۳. بی‌اعتنایی به اختلافات جزئی

خانم شماره ۱۰:

«من و همسرم به کسی اجازه دخالت در مسائل خصوصی زندگی مان را نمی‌دهیم. وقتی برسر موضوعاتی باهم بحث می‌کنیم، خودمان باهم کنار می‌آییم.»

خانم شماره ۱۰:

ایشان خیلی سر به هوا بود. انگار اصلاً ازدواج نکرده بود. بیشتر وقتش را با رفیقاش بیرون بود. من رفتار غیرعقلانی انجام نادم. صبر کردم، با ایشان ساختم و حمایتش کردم. خوب شد و الان رابطه خوبی داریم و قید رفیقانش را زده است.»

خانم شماره ۳:

«با شوهرم بعضی اوقات روی برخی از مسائل اختلاف داشتیم، ولی آن را بزرگ نمی‌کردیم که روی رابطه مون تاثیر منفی بگذارد و رابطه مون بد بشه.»

آقای شماره ۷:

«وقتی بحثی پیش بیاد، بیشتر مواقع من کوتاه میام و اصلاً برایم سخت نیست.»

۴. حفظ تعادل عاطفی در مواقع بروز مشکلات

خانم شماره ۳:

« در اوایل ازدواج مان وقتی که فرزند اولمان به دنیا آمد، از لحاظ مالی وضع خوبی نداشتیم. وقتی که بیمار می شد، من و همسر خونسردی خود را حفظ می کردیم و برخدا توکل داشتیم و هیچ وقت بر سر همدیگر داد نمی کشیدیم.»

۵. گفتن خواسته های خود به همسر به طور مستقیم

خانم شماره ۱۱:

«من همیشه مسائل و اتفاقاتی را که در زندگی روزمره مان می افتد، با شوهرم در میان می گذاشتم. هیچ وقت نشد که من خواسته های خود را با واسطه شخص دیگری به شوهرم انتقال دهم و همسر هم با من خیلی صادق است.»

۶. کوچک شمردن مشکلات

زوجین موفق که در این تحقیق شرکت داشتند بیان می کردند که مشکلات هیچگاه در رابطه زوجی ما خللی ایجاد نکرده و اعتقاد داریم که مشکلات حل می شوند.

آقای شماره ۱۰:

«اکثر خانواده ها مشکلات زیادی دارند. مهم این است که چطور با مشکلات مقابله کنیم.»

۷. کنار آمدن و سازگار شدن (پذیرفتن کاستی ها و تفاوت ها، مسائل را بیش از حد بزرگ نکردن،

کوتاه آمدن از برخی خواسته ها)

بعضی از زن و شوهر ها وقتی با هم قهر هستند، حالت دفاعی می گیرند. در این مواقع هر دو نفر مسئولیت خود را نادیده می انگارند و خود را تبرئه می کنند. همچنین ممکن است از روش هایی مثل شکایت دو طرفه استفاده کنند. در این حالت زوج روزگار سختی را می گذرانند.

خانم شماره ۱۲:

«خیلی از خانم ها حساس هستند که اول باید بریم خانه پدر من، بعد بریم خانه پدر شما. من اصلاً اینطور نیستم. روی چنین مسائلی اصلاً حساس نیستم و رعایت کردن چنین مواردی هم به رابطه زوجی ما خیلی کمک کرده است.»

۸. اطمینان دادن (اعتقاد به این که قصد و نیت همسر خوب است، شوخی کردن، نادیده گرفتن

اشتباهات همسر)

خانم شماره ۷:

«گاهی وقتا رفتارهای مخالف خواست یکدیگر داشتیم. به ایشان احترام می گذاشتم و هرگز حس نمی کردم که همسر دشمن من و خانواده ام است و اطمینان داشتم که ایشان قصد آزار دادن من را ندارد.»
زوجین اگر به نیت انجام عمل از طرف همسر توجه داشته باشند، رفتارهای او آزار دهنده نخواهد بود.

۹. حمایت های اجتماعی

خانم شماره ۸:

« اوایل که فرزند بزرگترم به دنیا آمد، دچار استرس بچه داری شده بودم. از مادرم کمک می گرفتم و کتاب های فرزند پروری مطالعه می کردم. خدا را شکر توانستم بر این مشکل غلبه پیدا کنم. الان هم با همسر در تربیت فرزند دوم مشکلی نداریم.»

راهبردهای کارآمد حل تعارض میان زوجین و خانواده های اصلی

زوجین موفق بیان داشتند در مواقعی که با خانواده خود دچار تعارض می شدند، از برخی راهبردها برای حل تعارض میان خود و خانواده ها استفاده می نمودند: پذیرش نواقص خانواده همسر، قهر نکردن با خانواده های خود، حمایت از همسر در مقابل خانواده خود، چشم پوشی از خطاها و اشتباهات خانواده همسر.

۱. حمایت از همسر در مقابل خانواده

زوجین حاضر در تحقیق بیان داشتند که زمانی که خانواده ها با یکی از آنها رفتار بدی داشته اند، از همدیگر حمایت می کردند.

خانم شماره ۱:

« اوایل ازدواجمان، مادر شوهرم خیلی بامن دعوی می کرد. به خاطر مشکلات مالی که داشتیم، کلاس خیاطی می رفتم. مادرشوهرم می گفت خونه خودشون خیاط نشد، اینجا می خواد خیاط بشه. اما شوهرم از من حمایت می کرد و می گفت من دوست دارم که همسرم خیاطی را یاد بگیرد و تازه باید یک مغازه برایش اجاره کنم.»

آقای شماره ۷:

«ما همیشه اعتقاد داریم که مشکلات قابل حل هستند و برای حل کردن آنها تلاش می کنیم. هنگامی که حالت هایی مانند خشم و عدم توافق در رابطه ما ایجاد می شود، انتظار نداریم که رابطه خوب که با همسرمان داریم مشکلات را حل خواهد کرد، بلکه برای حفظ این رابطه و حل مشکلات تلاش می کنیم.»

۲. رعایت کردن حریم و مرزها

زوجین شرکت کننده در تحقیق بیان نمودند که گاهی وقت ها فضای بین خود و خانواده ها را تنظیم می کردند تا منظومه زوجی آسیب نبیند.

آقای شماره ۵:

«خانواده همسر رابطه خیلی خوبی با ما دارند. اصلا با ما مشکلی ندارند، حتی هفته ای یکبار به خانه ما می آیند و ما نیز به خانه آنها می رویم، اما چون ما در یک جامعه سنتی زندگی می کنیم و بعضی از خانواده ها اعتقاد دارند که کمک کردن به خانم و انجام کارهای زنانه مثل ظرف شستن یا عوض کردن لباس بچه کار خانم هاست و مرد نباید به زن در انجام چنین کارهایی کمک کند، سعی می کنم که خانم با آنها بحث نکند و خودم با خانواده ام صحبت می کنم و مشکل را حل می کنم.»

۳. پذیرش نواقص خانواده همسر

شرکت کنندگان بیان داشتند که از زمان ازدواج شان تاکنون، نقائص و کمبود هایی از طرف خانواده های خود داشته اند که آنها را پذیرفته و با آنها کنار آمده بودند.

خانم شماره ۵:

«خانواده همسر شیوه برخورد مناسبی با من نداشتند. از لحاظ سطح سواد و پایگاه اجتماعی پایین بودند، ولی خدا را شکر همسرم فهمیده و با شخصیت است و به من می گفت که چه برخوردی با آنها داشته باشم.»

۴. چشم پوشی از خطاها و اشتباهات خانواده همسر

خانم شماره ۶:

«وقتی با خانواده همسر به کم دلخوری پیش می آمد، همسر به من می گفت که این بحث ها در همه خانواده ها پیش می آید.. خودتو ناراحت نکن و من هم زیاد حساسیت نشان نمی دادم و مسئله را بزرگ نمی کردم و خودم را درگیر چنین مسائلی نمی کردم.»

آقای شماره ۸:

«گاهی مواقع با خانواده همسر - بیشتر پدر خانم - مسائل و مشکلاتی داشتم. خودم سعی می کردم که ادامه ندم و کوتاه می آمدم. آخه بعضی مواقع ادامه دادن چنین بحث هایی عاقبت خوبی نداره و به ضرر خانواده است.»

۵. قهر نکردن با خانواده های خود

زوجین شرکت کننده در تحقیق بیان داشتند در مواردی که با خانواده همسر خود اختلافی پیش می آمد، با آنها قهر نمی کردیم و ارتباط خود را قطع نمی کردیم.

خانم شماره ۳:

«در اوایل ازدواج مان با خانواده همسر خود اختلافات زیادی داشتم. در روستا زندگی می کردیم. به بهانه های مختلف از من بهانه می گرفتند، ولی من مثل آنها رفتار نمی کردم و با آنها قهر نمی کردم. اعتقاد داشتم اگر با آنها قهر کنم، مشکلات جدی تر و وخیم تر می شود. همسر در کنارم بود و بالاخره با رفتارهای خوبی که من با آنها داشتم، آنها هم بهتر شدند.»

۶. رضایتمندی و تداوم زندگی

این مولفه شامل احساس رضایت از خود، رضایت از همسر و رضایت از فرزند است.

خانم شماره ۱:

«خدایا شکر الان ۲۰ سال از ازدواج مان گذشته است. از زندگی ام راضی هستم، از همسر و از فرزندانم راضی هستم.»

آقای شماره ۱۲:

«علاقه مون روز به روز داره بیشتر میشه و مطمئنم که مسیر خوبی را در پیش رو داریم و تا الان از زندگی مون رضایت داریم.»

انتخاب همسر متناسب و مبتنی بر شناخت با کارکرد مناسب در سطح فردی، زوجی، خانوادگی، والدینی و اجتماعی - فرهنگی و استفاده از راهبردهای مؤثر، رضایت از خود، همسر و فرزند را برای زوجین به ارمغان می آورد.

در ادامه یافته های پژوهش، براساس تحلیل های صورت گرفته، کدهای باز، محوری و انتخابی تعیین شدند که در جدول ۲ آمده است. همچنین، حرکت در جهت نگهداری رابطه و تداوم زندگی به عنوان مقوله مرکزی انتخاب شد.

جدول ۲: کدهای حاصل از مصاحبه ها و مراحل تحلیل آن

کدهای انتخابی	کدهای باز	کدهای انتخابی
<p>حرکت در جهت نگهداری رابطه و تداوم زندگی</p>	<p>ویژگی های شخصی</p>	<p>خودآگاهی (آگاهی از نیازهای شخصی، آگاهی از توانمندی ها و محدودیت های خود، آگاهی نسبت به اهداف و خواسته های خود) دلسوز بودن و مهربانی (مهربان بودن با همدیگر، چشم پوشی از خطاهای همدیگر، از خود گذشتگی) مسئولیت پذیری (انجام درست وظایف خود و خانواده، احساس مسئولیت در برابر همسر، احساس مسئولیت در برابر خانواده، به وظایف خود عمل کردن، آگاهی داشتن از وظایف و مسئولیت های خود در زندگی) انعطاف پذیری (ایجاد تغییر در خود متناسب با مراحل زندگی، آمادگی برای تغییر در مواقع ضروری، تغییر و تعدیل دیدگاه های شخصی به نفع زندگی زناشویی) صداقت (دروغ نگفتن به یکدیگر، رو راست بودن در امور مختلف زندگی و مشکلات روزمره، صداقت در مسائل مالی، عدم تلاش برای فریب همسر) خوش بینی (داشتن نگرش مثبت نسبت به زندگی، داشتن انگیزه و امید نسبت به زندگی، امیدواری، اعتقاد به اینکه مشکلات حل می شوند) پختگی هیجانی (آگاهی از عواطف و توانایی کنترل احساسات، ثبات هیجانی، توانایی ابراز عواطف، تسلط کافی بر هیجانات).</p>
<p>-</p>	<p>عوامل زوجی</p>	<p>۱- عشق و تعلق خاطر (دوست داشتن همسر، ابراز عشق کلامی و غیرکلامی، علائق مشترک، گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر، اختصاص دادن زمان بیشتر برای باهم بودن، دوستی باهم، صمیمیت) ۲- اطمینان بخشی (وفادار بودن نسبت به همدیگر، شک نداشتن به همدیگر، بیزاری و دوری از افکار خیانت آمیز، تعهد و احترام به رابطه زناشویی) ۳- درک متقابل (تلاش برای درک همسر، تفاهم در تربیت فرزندان، تصمیم گیری مشترک، احترام به نقطه نظرات یکدیگر، تفاهم در مورد مسائل مالی) ۴- رضایت جنسی (تلاش برای جلب رضایت جنسی همسر، احترام به خواسته های جنسی همدیگر، اهمیت دادن به مسائل جنسی، صحبت کردن در مورد این رابطه، اشتراک نظر در زمینه روابط جنسی). ۵- مشارکت و همکاری (کمک کردن به همدیگر در کارهای منزل، کمک به همسر در زمینه شغلی، کمک به همسر در انجام وظایف زندگی، کمک به همسر در مسائل اقتصادی) ۶- ارتباط مؤثر (گفتگوی لذت بخش، همدلی، توجه به حرف های طرف مقابل، پرهیز از کنترل کردن همدیگر، تحقیر و سرزنش نکردن همدیگر، توی حرف همدیگر نپردن، گفتگوی منطقی، گفتگوی باز، توان ابراز عواطف و خواسته ها، رک بودن در ابراز خواسته ها، مقایسه نکردن، احترام در حضور جمع) ۷- تصمیم گیری درست (مشورت گرفتن از هم دیگر، توجه به توصیه های یکدیگر) ۸- ایفای نقش کارآمد (انعطاف پذیری در انجام کارها، مشارکت در نقش، وظیفه محور نبودن نقش ها) ۹- مدیریت مالی (خسیس نبودن، توافق در مورد خرج کردن، توقعات مالی متناسب با توانایی همسر، قناعت مالی، وحدت مالی، داشتن برنامه مالی مناسب) ۱۰- رشد خود و همسر (تشویق همسر به برنامه ریزی، تشویق همسر به رشد و پیشرفت، استقبال از رشد و موفقیت همسر، تلاش برای موفقیت و رشد خود در زمینه تحصیلات و شغل، تقویت نقاط قوت همدیگر، قدردانی و سپاس گزاری).</p>
<p>-</p>	<p>عوامل مربوط به خانواده اصلی</p>	<p>حریم سازی و مرز سازی زوجی (اجازه ندادن به دخالت های بی مورد دیگران، استحکام مرز های خانواده، استقلال در تصمیمات دوتایی، حفظ اسرار زوجی از دیگران، ابراز نکردن مشکلات به بیرون، بی توجهی به دخالت های بی مورد خانواده ها، ایجاد سیستم مستقل زوجی، عدم انتقال مسائل به فرزندان) حمایت خانواده ها از زوجین (حمایت مالی، حمایت عاطفی، حمایت در کارهای منزل، حمایت در نگهداری از فرزندان)</p>

		حمایت خانواده ها از زوجین (حمایت مالی، حمایت عاطفی، روابط صمیمی و حمایتی با خانواده‌ها و اعضای فامیل، احترام به جایگاه والدین، احترام به دیدگاه‌های خانواده‌های خود و همسر)
-	عوامل فرهنگی اجتماعی	فضائل اخلاقی و معنوی (همسانی باورهای دینی، تقیدات دینی، پایبندی به اخلاقیات، پرهیز از حسادت به دیگران، پرهیز از کینه و انتقام جویی، توکل به خدا، نوع دوستی، عدم مدگرایی، همسانی فرهنگی، کمک به دیگران، نقش مثبت خدا در زندگی) پایبندی به هنجارها (احترام به هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، رعایت فرهنگ عفاف و حجاب، مقدس دانستن ازدواج، پیروی از احکام دینی)
-	عوامل والدینی	نقش مثبت فرزند (به هم نزدیک شدن زوجین، احساس مسئولیت زوجین، شیرینی زندگی، بهبود رابطه با خانواده همسر، کاهش وابستگی زوجین به خانواده‌ها، کاهش دعوا، هدفمندی زندگی) کمک فرزندان به والدین (کمک به والدین در کارهای منزل، کمک به والدین در زمینه مسائل اقتصادی، تعدیل خواسته و نیازهای خود، عدم مدگرایی، تلاش در زمینه تحصیلی) کمک والدین به فرزندان (کمک به فرزندان در زمینه تحصیلی و مدرسه، پاسخ دادن به نیازها و خواسته‌های فرزندان، استفاده از نظرات فرزندان در امور خانواده، مسئولیت دادن به فرزندان، آموزش به فرزندان)
-	راهبردهای مؤثر حل تعارض میان زوجین	جبران (عذرخواهی کردن، قهر نکردن)، برنامه ریزی برای مبارزه با مشکلات احتمالی، بی‌اعتنایی به اختلافات جزئی، حفظ تعادل عاطفی در مواقع بروز مشکلات، گفتن خواسته‌های خود به همسر به طور مستقیم، کوچک شمردن مشکلات، کنار آمدن و سازگار شدن (پذیرفتن کاستی‌ها و تفاوت‌ها، مسائل را بیش از حد بزرگ نکردن، کوتاه آمدن از برخی خواسته‌ها)، اطمینان دادن (اعتقاد به این که قصد و نیت همسر خوب است، شوخی کردن، نادیده گرفتن اشتباهات همسر)، حمایت‌های اجتماعی (کمک خواهی از مشاور، مطالعه منابع، یاری جستن از خداوند، عمل کردن به راهنمایی بزرگترها)
-	راهبردهای مؤثر حل تعارض زوجین با خانواده اصلی	پذیرش نواقص و کاستی‌های خانواده همسر، قهر نکردن با خانواده‌های خود، حمایت از همسر در مقابل خانواده خود، چشم پوشی از خطاها و اشتباهات خانواده همسر، رعایت کردن فاصله با توجه به شرایط
-	رضایتمندی از زندگی	رضایت از همسر، رضایت از خود، رضایت از فرزند

بحث و نتیجه گیری

پژوهش کیفی حاضر به شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ازدواج موفق پرداخت. تحلیل داده‌ها نشان داد که برای رسیدن به ازدواج موفق و رضایتمند، عوامل گوناگونی دخالت دارند از جمله: عوامل فردی، عوامل زوجی، عوامل فرهنگی - اجتماعی و عوامل خانواده اصلی و عوامل والدینی. راهبردهای حل تعارض، در دو دسته راهبردهای حل تعارض میان زوجین و راهبردهای حل تعارض میان زوجین و خانواده

اصلی بررسی شد. پیامد نهایی پژوهش، رضایت از همسر، رضایت از فرزند و رضایت از خود بود که در نهایت رضایتمندی از زندگی را به دنبال داشت.

در ادامه به تبیین یافته های این پژوهش پرداخته می شود. یافته های این پژوهش با یافته های بیشتر پژوهش های دیگر به خصوص پژوهش های داخلی که در زمینه ازدواج موفق صورت گرفته همسو و همخوان است. همان گونه که یافته های این پژوهش نشان داد، شرایط میانجی تاثیرگذار در ازدواج موفق، در این پژوهش عبارت بودند از: عوامل فردی، عوامل زوجی، عوامل فرهنگی- اجتماعی، عوامل خانواده اصلی و عوامل والدینی. واضح است که عوامل متعددی می توانند در شکل گیری یک ازدواج موفق مؤثر باشند. وقتی ازدواج رضایتمند و سالم باشد، عملکردها و نقش ها به خوبی ایفا می شوند، طرفین می توانند با مسائل و مشکلات احتمالی به شیوه ی صحیح برخورد کنند، در جهت ارتقای سلامت و بهزیستی فردی و اجتماعی حرکت کنند و از انواع آسیب ها دور باشند (کار، ۲۰۰۶ به نقل از حاتمی و رزانه همکاران، ۱۳۹۵). در سطح فردی همان گونه که یافته های این پژوهش نشان داد، زوجین موفق، ویژگی های شخصی را مطرح کردند که در رضایت از ازدواج شان مؤثر بود. از جمله این ویژگی ها می توان به خودآگاهی، دلسوز بودن و مهربانی، مسئولیت پذیری، انعطاف پذیری، صداقت و پختگی هیجانی اشاره کرد. نتایج این بخش از پژوهش با یافته های پژوهش های انجام شده در داخل و خارج همخوانی دارد؛ از جمله: در ویژگی مسئولیت پذیری (کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فنل، ۱۹۹۳)، خودآگاهی (فتحی و همکاران، ۱۳۹۵)، انعطاف پذیری (اینگرام، ۲۰۱۰، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، باچند و کارون، ۲۰۰۱)، صداقت (کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فتحی و همکاران، ۱۳۹۵، فنل، ۱۹۹۳)، پختگی هیجانی (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۵) و دلسوزی و مهربان بودن (حاتمی و رزانه و همکاران، ۱۳۹۵) همسوست.

در سطح زوجی، زوجین موفق بیان داشتند که از ویژگی های خاصی برخوردار بودند که در رضایت از ازدواج شان تاثیر زیادی داشته است؛ از جمله، عشق و تعلق خاطر نسبت به همدیگر (باچند و کارون، ۲۰۰۱، دیکسون، ۲۰۱۳، بروکز، ۲۰۰۶)، اطمینان داشتن نسبت به همدیگر (شریسا، ۲۰۱۴)، درک متقابل (گاتمن و سیلور، ۱۹۹۹، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، باچند و کارون، ۲۰۰۱)، رضایت جنسی (اینگرام، ۲۰۱۰، بروکز، ۲۰۰۶، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فتحی و همکاران، ۱۳۹۵)، مشارکت و همکاری و مدیریت تعارض (گاتمن و لونسون، ۲۰۰۲، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، اینگرام، ۲۰۱۰)، ارتباط مؤثر (باچند و کارون، ۲۰۰۱، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فتحی و همکاران، ۱۳۹۵)، تصمیم گیری کارآمد، ایفای نقش کارآمد و مدیریت مالی (اینگرام، ۲۰۱۰، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فتحی و همکاران، ۱۳۹۵)، رشد خود و همسر (فتحی و همکاران

۱۳۹۵). این یافته ها نیز با نتایج مطالعات مختلفی مانند بروکز(۲۰۰۶)، گاتمن ولونسون(۲۰۰۲)، فتحی و همکاران(۱۳۹۵)، با چند و کارون(۲۰۰۱)، خدادادی سنگده و همکاران(۱۳۹۳)، صاحبدل و همکاران(۱۳۹۴) و اعتمادی و همکاران(۱۳۹۲) همخوانی دارد.

در سطح خانوادگی یعنی تعاملات بین زوج ها و خانواده ها، زوجین موفق با حفظ حریم و ابراز نکردن مسائل و مشکلات به خانواده ها تجربه رابطه موفق داشته اند. همچنین، حمایت خانواده ها از زوجین در زمینه های مالی، عاطفی، فرزند پروری، امور منزل، از عوامل موفقیت آنها در ازدواج بود. زوجین موفق بیان کردند که آن ها نیز گاهی مواقع به خانواده های خود در ابعاد مالی و عاطفی کمک می نمودند. باید گفت برخورداری زوجین از این شبکه حمایتی می تواند در مواقع لزوم در کمک به آنها در حل مسائل مختلف سودمند واقع شود و فرصت حضور بیشتر در کنار دیگران و بهره بردن از مزایای روابط اجتماعی سالم را ایجاد کند (بویر، ۲۰۰۶). بر این اساس، هرچه زوج روابط گرم و صمیمانه ای با خانواده اصلی خود و همسرشان داشته باشد، با اقوام خود رفت و آمد کنند و شبکه های حمایتی دوستان و همکاران بیشتری داشته باشند و یا ادراک حمایتی بیشتری از سوی همسر، خانواده، آشنایان و همکاران خود دریافت کنند، رضایت بالاتری از ازدواج را تجربه می کنند. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته های پژوهش فاطیما واجمل(۲۰۱۲)، گاتمن ولونسون (۲۰۰۲)، بویر(۲۰۰۶)، حاتمی و رزنه و همکاران(۱۳۹۵) و فتحی و همکاران(۱۳۹۵) همسوست، ولی با پژوهش دانگ و شیائو(۲۰۱۰) مطابقت و همخوانی ندارد. آنچه در این مطالعه تازگی دارد و قابل توجه است، نقش معنی دار کیفیت ارتباط زوج با خانواده های اصلی و اهمیت داشتن رضایت مندی آنها در ازدواج است. از مصاحبه با شرکت کنندگان مشخص شد که هرچه قدر خانواده اصلی از همسر و فرزند خود راضی تر باشد و ارتباط گرمی بین آنها وجود داشته باشد، به همان میزان رضایت از ازدواج نیز بالاتر است. این یافته نیز به روشنی بیانگر فرهنگ خانواده محور کشورمان است که اهمیت خانواده اصلی را در سراسر فرایند ازدواج نشان می دهد.

در سطح چهارم یعنی عوامل اجتماعی- فرهنگی باید گفت کشور ما دارای خصوصیتی از جمله فرهنگ جمع گرایی بوده و ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور ما، بیش از پیش، فضائل اخلاقی، معنویت و قناعت را مورد تاکید قرار داده و از فرد گرایی و صفات خودخواهانه دوری جسته است. از سوی دیگر، ارزش ها، باورها، رسوم و هنجارهای حاکم بر یک بافت، علاوه بر دیدگاه های فردی بر سبک روابط زوجی نیز اثر گذار است. به نظر می رسد توافق در زمینه فرهنگ، ارزش ها و باورها موجب تشکیل یک شبکه اجتماعی جدید بین زوج ها می گردد و باعث می شود آنها مدت زمان بیشتری را با هم سپری کنند و حمایت هایی

برای یکدیگر فراهم آورند که در نهایت باعث افزایش رضایت‌مندی زناشویی گردد. داشتن اعتقادات و باورهای مشترک باعث می‌شود که نقاط اشتراک رابطه آنها افزایش یابد و حمایت معنوی بیشتری از یکدیگر در طول زمان داشته باشند. حتی گاهی اوقات، توافق در این زمینه‌ها بر افزایش صمیمیت نیز اثرگذار خواهد بود. طی مصاحبه با زوجین، باور مشترک باعث نزدیکی آنها یا باعث تقویت پیوند ازدواج می‌شود.

آنچه در این پژوهش تازگی دارد، احترام به هنجار و ارزش‌های فرهنگی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. زوجین موفق بیان داشتند که احترام خاصی برای بزرگترها قائل هستند و احترام به همسایه را از واجبات می‌دانند. همچنین زوجین موفق بیان داشتند که در مراسمات شادی و غم فامیل و همسایه شرکت می‌کردند که اینها نشان‌دهنده فرهنگ خاص کشورمان است. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش کاسلو و رایینسون (۱۹۹۶)، (لهر، ۲۰۰۶)، فاطیما و اجمل (۲۰۱۲)، صاحب‌دل و همکاران (۱۳۹۳) و خدادادی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز ازدواج موفق براساس نمونه مورد مطالعه در پژوهش حاضر، عوامل والدینی بودند. در این پژوهش، فرزند دارای نقش مثبتی در ازدواج موفق بود و ازسوی دیگر، والدین متناسب با سن به فرزندان خود آموزش‌هایی می‌دادند که به شکل‌گیری مهارت‌هایی در فرزندان منجر می‌شد. می‌توان گفت که سیستم والدینی در این ازدواج‌ها کارآمد بود. زوجین موفق بیان کردند که داشتن فرزند به رضایت‌مندی بیشتر در رابطه زناشویی آنها منجر شده است. فرزندان احترام خاصی برای والدین داشتند. نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش باچند و کارون (۲۰۰۱)، نیمتیز (۲۰۱۱)، فنل (۱۹۹۳)، فاطیما و اجمل (۲۰۱۲)، فتحی و همکاران (۱۳۹۵) و حاتمی و رزنه و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد. همچنین، زوج‌های موفق شرکت‌کننده در این تحقیق بیان داشتند که گاهی مواقع در زندگی زناشویی خود تعارضاتی پیش می‌آمد که در مواجهه با این تعارضات و حفظ رابطه از روش‌هایی استفاده می‌کردند. شیوه‌ها و راهبردهای حل تعارض در دو سطح راهبردهای حل تعارض میان زوجین و راهبردهای حل تعارض زوجین با خانواده اصلی بررسی شد. تحقیقات دیگر اغلب روی حل تعارض میان زوجین تاکید می‌کردند و تعارضات مربوط به خانواده اصلی یافت نشد. این موضوع بیانگر تفاوت فرهنگی میان جامعه ایرانی و به طور کلی، جوامع جمع‌گرا با جوامع فردگراست که به علت ارتباط با خانواده‌های مبدا می‌تواند منبع حمایتی در رابطه زوجین تلقی شود و هم اینکه به عنوان عامل تعارض و تنش باشد. یافته‌های این قسمت

از پژوهش با یافته های فتحی وهمکاران (۱۳۹۵)، حاتمی ورزنه وهمکاران (۱۳۹۵) و استفورد وکانری (۱۹۹۱) همخوان است.

در پایان می توان نتیجه گرفت که ازدواج موفق، پدیده ای چند بعدی است که با روش های کمی محدود نمی توان به خوبی در مورد آن قضاوت کرد. همچنین رسیدن به ازدواج موفق، اتفاقی ناگهانی نیست، بلکه فرایندی است که با گذر از فراز و نشیب های زندگی، زوجین می توانند به آن برسند. افرادی که از ویژگی های شخصیتی کارآمد، ویژگی های زوجی کارآمد، سیستم زوج- خانواده کارآمد، سیستم والدینی کارآمد، راهبردهای مقابله با سختی و اختلاف کارآمد برخوردارند، می توانند در این سفر پرفراز و نشیب به مقصد پایداری رضایتمند برسند.

این پژوهش به نو به خود با محدودیت هایی نیز رو به رو بود؛ چنان که نمونه مورد مطالعه از طبقات مختلف اجتماعی- اقتصادی شهر یاسوج بودند و تعمیم این نتایج به همه خانواده های ایرانی مستلزم رعایت احتیاط است.

از سوی دیگر، ازدواج موفق می تواند از عوامل و متغیرهای بی شمار دیگری متأثر باشد که در این پژوهش به دلیل عدم شناسایی به آنها پرداخته نشده است.

پیشنهاد می شود این پژوهش در بافت ها و فرهنگ های دیگر کشورمان و با نمونه های دیگر تکرار شود. این پژوهش مضامین مهمی برای متخصصان حوزه ازدواج و خانواده و زوجین دارد. با توجه به عوامل شناسایی شده، نتایج پژوهش حاضر می تواند به صورت راهنما و موارد بااهمیت در کارگاه های آموزش زوج ها یا مراکز پیش از ازدواج ترویج داده شود.

- بهشتیان، محمد. (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه ای ملاک های ازدواج (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری و دموگرافیک) زوج های در شرف ازدواج دوم با ملاک های آنها در ازدواج اول». جامعه پژوهی فرهنگی. سال هفتم، شماره دوم، تابستان، ۱۳۹۵، ص ۲۱-۱.
- حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث و برجعلی، احمد. (۱۳۹۴). «ارائه الگوی ازدواج: پایدار رضایتمند: یک پژوهش گراند تئوری». مجله مشاوره و روان درمانی خانواده. ۱۳۹۵. شماره ۶، ۱۴۹-۱۲۰.
- حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث و برجعلی، احمد. (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه ای ازدواج های پایدار رضایتمند و ازدواج های در حال جدایی (مطالعه کیفی)». فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. شماره ۳۵، ۳۹-۷.
- خان محمدی، فاطمه و پرتوی، لطیف. (۱۳۹۶). «بررسی رضایت از زندگی زناشویی در میان زوجین دارای سبکهای سنتی و مدرن و عوامل اجتماعی فرهنگی مرتبط با آن در شهر میاندوآب». مطالعات جامعه شناسی. سال نهم، شماره سی و چهارم، بهار ۱۳۹۶. ص ۱۲۶-۱۰۹.
- خجسته مهر، رضا و محمدی، زرنگار. (۱۳۹۵). «تجربه خوشبختی در ازدواج های پایدار: یک مطالعه کیفی». مجله روانشناسی خانواده. دوره ۳، ۵۹-۲۷.
- خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی محمد؛ احمدی، خدابخش و حسنی، جعفر. (۱۳۹۳). «شناسایی شاخص های ازدواج موفق: مطالعه ای کیفی واکتشافی». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۲۵، ۲۸-۹.
- دیباجی فروشانی، فاطمه سادات؛ امامی پور، سوزان و محمودی، غلامرضا. (۱۳۸۸). «رابطه سبک های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت مندی زناشویی زنان». مجله اندیشه و رفتار. دوره سوم شماره ۱۱ بهار ۱۳۸۸.
- فتحی، الهام و همکاران. (۱۳۹۵). «ارائه مدل ازدواج رضایتمند در فرهنگ ایرانی: مطالعه نظریه داده بنیاد». فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناسی. دوره دوازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵.

- فتحی، الهام و همکاران. (۱۳۹۴). «**حیطه های تعارض و استراتژی های حل آن در زوجین رضایتمند**». فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی. سال ششم، شماره ۲۴.
- کارگر، مونا و اصغری ابراهیم آباد، محمد جواد. (۱۳۹۴). «**مقایسه سبک حل مسئله و سازگاری زناشویی در مادران کودک استثنایی وعادی**». سال پانزدهم، اردیبهشت ۱۳۹۴، شماره ۲، ۱۳۰.
- صاحبدل، حسین؛ زهراکار، کیانوش و دلاور، علی. (۱۳۹۴). «**شناسایی شاخص های ازدواج موفق**، یک مطالعه کیفی». پژوهش های روانشناسی بالینی و مشاوره. ۵(۲)، ۳۲-۴۶.
- کرایبی، امین؛ خجسته مهر، رضا؛ سودانی، منصور و اصلانی، خالد. (۱۳۹۵). «**شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج های پایدار رضایتمند در زنان**». مجله مشاوره و روان درمانی خانواده. ۶، ۱۶۴-۱۲۹.
- Abdollahzadeh, H. (۲۰۰۲). **“Marital satisfaction and equivalence couples. Congress of Students Marriage”**. Isfahan: industrial university
- Asoodeh, M.H. Khalili, S., Daneshpour, M., & Lavasani, M.GH. (۲۰۱۰). **“Factors of successful marriage: accounts from self described happy couples”**. Social and behavioral sciences. ۵. ۲۰۴۲-۲۰۴۶.
- Bachand, L. & Caron, S. (۲۰۰۱). **“Ties that bind: A qualitative study of happy long-term marriages”**. Contemporary Family Therapy. ۲۳(۱).
- Brooks, Prudence. (۲۰۰۶). **“A qualitative study of factors that contribute to satisfaction and resiliency in long-term African American marriages”**. Unpublished doctoral dissertation, our lady of the lake university.
- Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N. (۲۰۱۴). **“Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life”**. Journal of Marriage and Family. ۷۶.
- Dixon, D. C. (۲۰۱۳). **“Christian spirituality and marital health: Aphenomenological study of long-term marriages”**. A doctoral dissertation in counseling. Liberty University.
- Donovan, S. (۲۰۰۴). **“Stress and coping techniques in successful marriage. Thesis submitted to the faculty of the Varginia Polytechnic institute and State arriage, happy life?”**. University in partial of the requirements for the degree of M.A.
- Dung Le, T. M.(۲۰۰۸). **“Vietnamese Couples' Perceptions of the Factors that Contribute to Satisfaction in Long-Term Marriages”**. A M.A. Dissertation in social work. University of Manitoba.

- Esere, M. O., Yeyeodu, A., Oladun, C. (۲۰۱۴). **“Obstacles and Suggested Solutions to Effective Communication in Marriage as Expressed by Married Adults in Kogi State, Nigeria”**. Journal Procedia - Social and Behavioral Sciences”. ۱۱۴: ۵۸۴ – ۵۹۲.
- Fatima, M., & Ajmal, M. A. (۲۰۱۲). **“Happy Marriage: A qualitative study”**. Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology, ۹, ۳۷-۴۹.
- Fenell, D. L. (۱۹۹۳) **“Charecteristics of long-term first marriage”**. Journal of mental health counseling .۱۵, ۴۴۶-۴۶۰.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (۲۰۰۲). **“Generating hypotheses after years of marital follow up: Or how should one speculate? A reply to Dekay, Greeno, and Houck”**. Family Process. ۴۰, ۱۰۵-۱۱۰.
- Heller, D., Watson, D., & Ilies, R. (۲۰۰۴). **”The role of person versus situation in life satisfaction: a critical examination”**. Psychological Bulletin. ۱۳۰(۴).
- Ingram, J.R. (۲۰۱۰). **Money stories of successful long-term married couples. Pro Quest Dissertations and Theses.** Texas woman’s university.
- Kaslow, F., & Robison, J. A. (۱۹۹۶). **“Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors”**. American Journal of Family Therapy, ۲۴, ۱۵۳-۱۷۰.
- Karimi Sani.P., Smaily. M., Falsafinejad. M.R., Shafiabadi.A. Farahbakhsh. K. Ahiaii. K. (۲۰۱۰). **“Providing the content of premarital counselling based on identifying spiritual and moral factors that predict successful marriage in tabrizian couples”**. Journal of women and family studies, ۷, ۱۲۱-۱۳۲.
- Lehrer, E. (۲۰۰۶). **Age at marriage and marital instability: Revisiting the Becker- Lades-Micheel hypothesis.** University of Illinois at Chicago and IZABONN
- Long, L., Yang, M.(NS). **Counseling and treatment issues in couple.** Translator, Nazari A, Khodadadi J, Asadi.
- Manap, J., Che Kassim, A., Hoesni, S., Nen, S., Idris, F., & Ghazali, F. (۲۰۱۳). **“The Purpose of Marriage among Single Malaysian Youth”**. journal Procedia - Social and Behavioral Sciences, ۸۲: ۱۱۲ – ۱۱۶.

- Myers, J.E., Madathil, J., & Tingle, L. R. (۲۰۰۵). **“Marriage satisfaction and wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice”**. Journal of Counseling and Development, ۸۳: ۱۸۳-۱۹۰.
- Mohsen Zadeh, F., Nazari, A., & Arefi, M. (۲۰۱۰). **“Father's family Experiences and perceptions of hostile marital conflicts”**. Counseling research, ۱ (۳۸): ۷-۲۴. (Persian).
- Nazare, B., Fonseca, A., Gameiro, S., & Canavarro, M. C. (۲۰۱۱). **“Amniocentesis due to advanced maternal age: The role of marital intimacy in couples' decision-making proces”**. Contemporary Family Therapy, ۳۳:۱۲۸-۱۴۲.
- Nimtz, Mark A. (۲۰۱۱). **“Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: a phenomenological study”**. Doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Liberty University.
- Peleg, O. (۲۰۰۸). **“The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life”**. American Journal of Family Therapy, ۳۶(۵).
- Segrin, C. & Flora, J. (۲۰۰۵). **Family communication**. London: Lawrence Erlbaum associates publishers.
- Strauss, A. L, Corbin, J. M. (۱۹۹۰). **Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory**. California: SAGE Publications, Inc.

Factors of Successful Marriage: A Qualitative Research based on Grounded Theory

Ali derakhsh

Ph.D. Student, Counseling Department, Khuzestan Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahvaz , Iran

Khaled Aslani

Ph.D., Associate Professor, Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Amin Koraei

Ph.D., Assisstant Professor, Counseling Department, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Received: ۲۳ Oct. ۲۰۱۸

Accepted: ۳ Dec. ۲۰۱۸

Healthy marriage is of essential role in forming healthy family. The study is to identify a successful marriage. This study was done as a qualitative research based on grounded Theory method. The statisticd population of this study were the whole couple of Yasuj city that they had married at least ۵ years ago. The purposeful sampling was used to collect the data. Sampling continued until

theoretical saturation was obtained totally ۲۶ participants (۱۳ couples) which high marital satisfaction were interviewed in semi structured and in depth method and analyzed using the constant comparative method of struss and corbin.

The results showed that successful marriage factors were of wide range. Identified factors were individual factors, factors related to couples relation, factors related to couples main family, social – cultural factors parental factors. Any of obtained factors contain different categories. Understanding and identification of the influencing factors in the successful and stable marriage in successful couples can be considered as a model and a direction for couples and will benefit for pdychologists and counsolors of marriage and will eventually assist to the society health.

KeyWords: Successful Marriage, Individual Factors, Factors related to Couples Relation, Main Family's Factors, Social– Cultural Factors and Parental Factors